گزیده نامه‏های وان‏گوگ

ساشا گریشین

ترجمه:پری آزرم‏وند(مختاری)

کنث کلارک فقید-نویسندهء برجسته تاریخ هنر-در یکی از نامه‏های خصوصی خود اظهار نظر کرده بود که ونسان وان گوگ بیش از آن که یک نقاش باشد یک نویسنده بود.

شاید همگان با ارزیابی لرد کلارک درباره توانایی‏های هنری وان گوگ همعقیده نباشند،ولی‏ آنچه مسلم است این است که نامه‏های این هنرمند برای همه کسانی که به تحول سنت مدرن هنر علاقمندند جزو مطالعات کلاسیک درآمده است.مارک راسکیل در مقدمه‏ای که بر این گزیده‏ نسبتا قابل پیش‏بینی نامه‏ها نوشته است به ارزش نامه‏ها از لحاظ اطلاعات مربوط به زندگینامه‏ نویسی،نقد هنر،بینش روانشناختی،و نیز ایجاد چهارچوبی کلی برای کار وان گوگ اشاره‏ می‏کند.

از دید من نامه‏های وانسان وان گوگ به برادرش تیو بیش از هر چیز بیانگر کل فلسفه هنر آفرینی است و نشان می‏دهد که وان گوگ هنرمندی بود که حیاتش را در هنرش زیست.ما همه با گفتارهای احساساتی از متن نامه‏های وان گوگ به گاه دیدن نقاشی‏هایش بزرگ شده‏ایم:چه در فیلم‏ها،چه در اظهار نظرهایی که در نمایشگاه می‏شود؛نیز در رومان‏های پرفروشی چون‏ کتاب دیوید سویتمن زیر عنوان«عشق به بسیاری چیزها:زندگی ونسان وان گوگ».

نامه‏ها،شاید بیش از هر چیز دیگر،مدعای«صمیمیت»هنر وان گوگ است و این نقطه ثقلی‏ در درک سنت اکسپرسیونیست هنر می‏گردد.این‏جا هنرمندان با قلب و صلب خود نقاشی‏ می‏کنند و حاضرند خون خود را بریزند و حتی گاه گوش خود را ببُرند تا پیام خود را به گوش‏ جهانیان برسانند.معلوم نیست چنانچه نامه‏های وان گوگ به تیو حفظ نمی‏شد درک ما از این‏ هنرمند تا چه اندازه متفاوت می‏توانست باشد.آیا اگر تاریخ نویسان هنری منتقد می‏توانستند زندگینامه دیگری به مخاطبین خود ارائه دهند باز هم این نابغه دیوانه پرشور از همان احترام و توجه برخوردار می‏بود؟

مثلا برخی گفته‏اند وان گوگ یک نقاش تن آسای طبقه متوسط بود که برادرش را می‏دوشید و پولی را که بدین طریق به دست می‏آورد در فاحشه‏خانه‏ها خرج می‏کرد و زندگی بسیار آسوده‏تری از روستاییان اطراف یا فقرای شهرنشین داشت.او قطعنا دیوانه نبود ولی بیماری‏ صرع داشت و در یکی از همین حمله‏های صرع بود که به نرمه گوش خود آسیب وارد آورد و در مورد شدت زخم اغراق کرد تا با برانگیختن ترحم پول بیشتری بدوشد.

هرچند که هیچیک از این سخنان اثری در کیفیت ذاتی و حقیقی نقاشی‏های وان گوگ ندارد اما این پرسش را پیش می‏آورد که مکاتبات وی دقیقا چه نقشی در برداشت ما از کار او و نیز مسأله کل صمیمیت این هنرمند دارد.شاید وقت آن فرا رسیده است که به وان گوگ به دیده کسی‏ که استعدادی دوگانه داشت بنگریم-یک استعداد ادبی و یک استعداد بصری-و توجه داشته‏ باشیم که این دو استعداد یکی نیستند و بر معیارهایی متفاوت عمل می کنند.